

پس‌لرزه‌های بحران اقتصادی اواما را با وضعیت خطیری مواجه کرده است

از سیاست به اقتصاد از اقتصاد به سیاست

سهراب شهابی



استاد تمام وقت دانشگاه هاروارد شد. دو تن از خواهرزادگانش یعنی «پل سامنولسون» و «کنت آرو» نیز جایزه نوبل در اقتصاد را به دست آورده بودند. او دارای تجربه در سمت وزیر خزانهداری و ریاست دانشگاه هاروارد و بسیاری پست‌های مهم اقتصادی بود. بر اثر سیاست‌های اجرا شده، اقتصاد آمریکا از چهار ماهه دوم سال ۲۰۰۹ خارج شدن از رکود را آغاز کرد. در چهار ماهه سوم سال ۲۰۰۹ نیز بسیاری از کارشناسان اعلام کردند که اقتصاد آمریکا از رکود خارج شده است. بنابراین آمریکا با وجود بسیاری از پیش‌بینی‌ها که خروج از رکود را در سال ۲۰۱۰ و بعضاً ۲۰۱۱ پیش‌بینی می‌کردند، زودتر از بسیاری از کشورها، از جمله کشورهای اروپایی، از رکود خارج شد.

اما خروج از رکود پی‌آمدهای خود را نیز دارد. از جمله بودجه ۳/۸ تریلیون دلاری پیشنهادی اواما برای سال ۲۰۱۱ نزدیک به ۱/۶ تریلیون دلار کسری دارد و این یعنی نزدیک به ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی آمریکا که رقمی بی‌سابقه است. همچنین اواما در ماه‌های نخست ریاست جمهوری خود به مردم آمریکا گفته بود که اجازه نخواهد داد نرخ بیکاری از ۸ درصد بالاتر رود، در حالی که آمار موجود این رقم را ۱۰/۲ درصد نشان می‌دهند که باز رقمی بی‌سابقه در اقتصاد آمریکا است و این در حالی است که به ندرت و در دوره‌های بسیار کوتاه آمار بیکاری آن کشور دو رقمی شده است. به همین جهت نیز اواما در گزارش سالانه خود به مجلسین آمریکا در ژانویه ۲۰۱۰ بیشتر توجه خود را به این موضوع می‌دول داشت.

اعمال سیاست‌های متفاوت، از جمله در نظر گرفتن ۱۰۰ میلیارد دلار برای ایجاد شغل‌های جدید، تقلیل مالیات‌ها برای بنگاه‌های اشتغال‌زا و

کمک گرفتن از اقتصاددانان برجسته‌ای چون لارنس سامرز، در مقام ریاست مشاوران اقتصادی کاخ سفید، از جمله تدبیرهای اواما برای مواجهه با بحران اقتصادی بود

بسیاری از نهادهای اقتصادی از جمله جنرال موتورز جلوگیری به عمل آمد و بسته‌های حمایتی تدوین و اجرا شدند. کمک گرفتن از اقتصاددانان برجسته‌ای چون لارنس سامرز، در مقام ریاست مشاوران اقتصادی کاخ سفید، از جمله تدبیرهای اواما برای مواجهه با بحران اقتصادی بود. پدر و مادر سامرز از اقتصاددانان برجسته بودند و خود او در ۲۸ سالگی

عدم پیشرفت در سیاست خارجی باعث شده شرایط جمهوریخواهان و نومحافظه‌کاران بهبود یابد و آن‌ها به صحنه بازگردند

درباره بحران اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۸ و دلایل آن بسیار نوشته شده است و این بحران احتمالاً موضوع نوشته‌ها و کتاب‌های بسیار، چون بحران سال ۱۹۳۰ خواهد بود.

به نظر می‌رسد اکنون همگان توافق دارند که این بحران مالی از آمریکا آغاز شد و سپس به کل جهان سرایت کرد. اوج آن نیز ماه‌های اوت، سپتامبر و اکتبر ۲۰۰۸ و درست همزمان با ماه‌های سرنوشت ساز انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود. بحران، ورشکسته شدن بانک‌ها، بیمه و مؤسسه‌های مالی، سقوط سهام، حراج خانه‌ها، بیکاری، ناامیدی و وحشت را در برابر جامعه آمریکا قرار داد. طبیعی بود که در چنین حالتی از سرخوردگی، عصبیت و ترس مردم حکومتی را که در رأس کار قرار دارد مقصر می‌انگارند و خشم خود را متوجه سردمداران آن می‌کنند، به خصوص که دولت بوش بیش از هفت سال زمام امور را در دست داشت و نمی‌توانست خود را از مسئولیت میرا بدارد. به همین دلیل نیز بود که بحران اقتصادی بیش از همه به حزب جمهوریخواه (حزب بوش) و کاندیدای آن مک‌کین، قهرمان جنگ، دارای تجربه و بدون پرونده‌ای دال بر فساد، آسیب رساند. افکارستجی‌های انجام شده در ماه‌های پایانی رقابت‌های انتخاباتی نیز گویای همین امر بودند.

اواما در جریان انتخابات از این بحران بهره برد، ولی به خوبی واقف بود که در آغاز ریاست جمهوری خود با مشکلی عظیم مواجه خواهد شد. به همین جهت، حتی قبل از ورود به کاخ سفید و انتصاب‌های کابینه، تیم اقتصادی خود را از استادان برجسته و با تجربه تشکیل داد و کار را شروع کرد. به این ترتیب میلیاردها دلار به بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی تزریق شد، از ورشکستگی

آسانی برطرف گردد.

همزمان عدم پیشرفت در سیاست خارجی باعث شده شرایط جمهوریخواهان و نومحافظه کاران (دیک چنی، بولتون و شرکاء) بهبود یابد، آن‌ها به صحنه بازگردند، به طرح نظرات و انتقادهای دولت جدید بپردازند و در نتیجه صحنه سیاسی را برای اوپاما مشکل تر کنند، تا جایی که بعضی مفسران از اوپاما به عنوان رییس جمهور یک دوره‌ای، همانند کارتر، نام می‌برند. این شرایط در سال ۲۰۱۰ که سال انتخاباتی آمریکا است و نیمی از فرمانداران، سناتورهای و نمایندگان کنگره انتخاب می‌شوند، کار را برای اوپاما و حزب دموکرات بسیار حساس کرده است. آن‌ها باید از تکرار تجربه چندماه گذشته جلوگیری کنند و اجازه ندهند جمهوریخواهان به

بحران اقتصادی، تزریق پول و کسر بودجه دولت آمریکا را واداشته که بودجه بسیاری از نهادهای دولتی را برای سه سال آینده ثابت نگه دارد

افزایش بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار برای مالیات شعب کمپانی‌های چند ملیتی که در خارج آمریکا تاسیس شده‌اند، البته موجب اعتراض این کمپانی‌ها و لابی‌های پر قدرت طرفدار آن‌هاست. آن‌ها استدلال می‌کنند این مالیات از قدرت رقابت کمپانی‌های آمریکایی در مقایسه با کمپانی‌های کشورهای دیگر خواهد کاست.

بحران اقتصادی، تزریق پول و کسر بودجه دولت آمریکا را واداشته که بودجه بسیاری از نهادهای دولتی را برای سه سال آینده ثابت نگه دارد و با توقف خرید هواپیماهای پیچیده نظامی از کمپانی لاکهید از برخی هزینه‌ها جلوگیری کند. به همین دلیل می‌توان تصور کرد که لابی‌های قدرتمند این کمپانی‌ها نیز دولت اوپاما، به خصوص موقعیت او را در کنگره، به مخاطره اندازد.

بحران اقتصادی اوضاع و احوال سیاسی را برای دولت اوپاما نیز تغییر داده و امروزه میزان محبوبیت او به زیر ۵۰ درصد سقوط کرده است. در چهارماه گذشته سه انتخابات در ایالت‌های نیوجرسی، ویرجینیا و ماساچوست برگزار شد که در جریان آن‌ها دموکرات‌ها نتیجه را به جمهوریخواهان واگذار کردند. در این میان، به خصوص از دست دادن کرسی سناتوری تد کندي، از پشتیبانان اصلی اوپاما و از طراحان سیستم بیمه درمانی همگانی، در ماه فوریه ۲۰۱۰ در ایالت ماساچوست که بیش از چند دهه در اختیار دموکرات‌ها بود در مقابل یک جمهوریخواه بالنسبه گمنام، که از مخالفان سرسخت طرح بیمه همگانی است، از چشم هیچ مفسر سیاسی آمریکایی پنهان نماند.

شرایط سیاسی جدید قدرت چانه‌زنی دولت جدید را به حدی تحت تاثیر قرار داده است که طرح پیشنهادی بیمه همگانی درمانی، که از جمله بیش از ۱۵ درصد جمعیت آمریکا را، که هیچ‌گونه پوشش بیمه‌ای ندارند شامل می‌شود، با مشکل مواجه کرده و با وجود کوشش بسیار اوپاما تاکنون موفق به جلب آرای مورد نیاز نشده است. به همین دلیل، احتمال توقف طرح یا انجام تعدیل عمده آن دور از انتظار نیست، طرحی که شاه‌بیت تبلیغاتی اوپاما در زمان مبارزات انتخاباتی‌اش بود.

بحران اقتصادی جهان و مشکلات اقتصادی آمریکا تاثیر خود را بر ارزش دلار آمریکا نیز گذاشته و سبب تضعیف ارزش این پول بین‌المللی نسبت به ارزهای دیگر شده است. البته این موضوع در حقیقت به اقتصاد آمریکا کمک کرده است و برای



کرسی‌های بیشتری دست یابند. بهبود در اقتصاد با توجه به ماهیت بلند مدت عوامل موثر چندان امیدوارکننده نیست، دموکرات‌ها و اوپاما برای بهبود شرایط خود احتمالاً باید امتیازات را در عرصه‌های دیگر معمول دارند. شاید یکی از این عرصه‌ها سیاست خارجی باشد، در این صورت تحول در رفتار و سیاست‌های اعلامی اوپاما برای مثال در ارتباط با خاورمیانه، اسرائیل و ایران چندان دور از ذهن نیست. ●

مثال کسری تجارت خارجی این کشور را که در سال ۲۰۰۵ به اوج خود و به بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار رسید به حدود نصف تقلیل داده است. تقلیل ارزش دلار و فشارهای دولت اوپاما برای تجارت عادلانه و جلوگیری از عدم توازن شدید تجاری بین چین و آمریکا، روابط این دو کشور را وارد مرحله جدیدی کرده است. با وجود سفر اوپاما به چین و کوشش‌های صورت گرفته تنش در این روابط رو به افزایش است و به نظر نمی‌رسد به